## بسمه تعالی

## برنامه ریزی شخصی و کار تشکیلاتی در آن توسط دکتر تلوری

جلسه اول :

کلیات و بحث های موضوعی مطرح میشود .

منبع تشخیص در تطبیق موضوع حکم با مصداق شما هستید.

تصمیم گیر برای مسایل زندگی و ترتیب آن خود شما هستید. (بچه دار شدن یا دکترا یا همسری یا کار یا …)

بین این هفت مورد ترتیب بندی کنید:

عدالت -معنویت - استقلال -آزادی - امنیت –ثروت -قدرت

پاسخ من : معنویت - عدالت - آزادی - امنیت - استقلال - قدرت - ثروت

این یعنی شما بعدی ها رو فدای قبلی ها میکنید مثلا عدالت را فدای معنویت میکنید و …

و جالب است که این ترتیب بندی بین آدم ها متفاوت است. در حالیکه همه ما مسلمانیم و پاسخی که افراد میدهند مبتنی بر ادراکات شخصی و تجربیات قبلی زندگی هاتون …. وقتی گزاره ها بیشتر میشن مثلا تحصیلات.. خانواده … رفاه و …. هرچه عوامل زیاد شوند افراد از هم فاصله میگیرند و اختلاف افراد زیاد تر میشود…. ضمن اینکه تعریف درستی از این واژه ها هم نداریم!

حالا فرض بکنید که کسی خواستگاری شما بیاد و شما این سوالات رو میپرسید تا اطلاع کسب کنید… ببینید چقدر پاسخ ها گنگ خواهد بود…

پس باید دانش ها و بینش ها رو افزایش داد.

دوباره ترتیب بندی کنید:

خودم - خانوادم - کشورم - دینم

من: دینم - خانوادم - کشورم - خودم

انتظار میرفت همگرایی بیشتر بشود… ژاپن : کشورم خانوادم خودم …… آمریکا : خودم خودم خودم این یعنی امانیسم…

غربیها خیلی در فرهنگ کار کردن و با تغییر همین مفاهیم تمدن ها رو عوض میکنن….

معیارهای انتخابتون حالا در ازدواج چیه (ترتیب)‌:

شغل - اخلاق - ایمان - گرایش سیاسی - خانوادش - تحصیلاتش - زیبایی

من : خانوادش - ایمان - اخلاق - زیبایی - تحصیلات - سیاسی - شغل

حالا خودتون تو مسایل شخصی به کدوم بها میدین؟

مطالعات مسایل (دینیتون - اخلاقی - انگیزه سیاسی - درسی - ارتباطات خانوادگیتون - ارتباطات با رفقا - وظایف نسبت به نظام)

من: دینی - نظام - رفقا - سیاسی - درسی - خانواده - اخلاقی

به نظرتون برای تست شخصیت این آزمون ها خوب است؟

حالا چقدر این ترتیب بندی را رعایت میکنید؟ مسایل دینی چند درصد وقتتون است؟

این تناقض نیست؟

یعنی این حرفا لغلغه زبان است و ما عمل نمیکینم…

حالا در انتخاب همسر هم میبینیم که این ترتیب ها شعاریست… مثلا ایمان و اخلاق را دارد اما شغل رو نداره… ما میگیم نه!

وقتی درس در اولویت است یعنی درس رو برای وظایف انقلاب نمیخونیم!

سوال بعدی: در مورد فرزند کدام براتون مهمه؟

جنسیت - سلامت - زیبایی - هوش - قد

من: سلامتی - زیبایی - هوش - قد - جنسیت

تقریبا شبیه هم بود…

چون هیچ نقشی ندارید در شکل گیری به هم نزدیکیم…

حالا برای تربیت روحیاتش:

اخلاق - معنویت - عقلانیت - استقلال - سلامت جسمی - درسش - ادب - ارتباطات اجتماعی

من: عقلانیت - معنویت - جسمی - اخلاق - ادب - اجتماعی - درس - استقلال

یعنی بخاطر عقلانیت حاضرید جسمش رو به خطر بندازید…؟

مبنای انتخاب (برای تربیت بچه )باید چی باشه؟

عقل خودمون - دین - جامعه(دیگران) - امیال و خواسته ها

من: دین - عقل خودمون - امیال - جامعه

نکته : وقتی شما با عقلتون برداشتی غیر از حرف علما میرسید (درحالیکه زمینه علمیش را ندارید.) اگر به فهم خودتان تکیه کنید شما مثل سروش شدین!

**وقتی همه میگن ما اعتقاد را مهم میدانیم اما برایش وقت نمیگذارند در انتخاب های ما اثر گذار است…**

**ضعف های ما خود را در تصمیمات نشان میدهند.**

کار فرهنگی اثر گذاری بلند مدت دارد یعنی بعد از ۱۴۰۰ سال حضرت زهرا در تصمیم گیری های جهان اثر دارد. لذا تا ابد ایشان کوثر است!

**لذا در دو راهی ها و چند راهی ها شما از آنچه جمع کرده اید بهره میگیرید.**

تشکیلات مذهبی باید افراد را برای تصمیم گیری های بعدی زندگی تربیت کنند.

**تصمیم ها خیلی اثرات در پی دارد ( طرف نماز نمیخونه چون میدونه تا آخرش رو بره! )**

مثلا تصمیم رشته شما یعنی میخواین کجا کار کنین! مثلا دختر چادری در دوره پزشکی باید در بیمارستان چادر رو کنار بذاره… یعنی این **آدم وقتی پزشکی رو انتخاب کرد از چادرش گذشت!**

وقتی امام حسین میگه مثل منی با مثل یزید بیعت نمیکنه یعنی باید هزار تا تصمیم دیگه در این راستا بگیرم…. از نوادگانش علم الهدی هم طبق تصمیم امام حسین در هویزه تا آخر جنگید و این اثر تصمیم امام حسین است…

اثر بعضی تصمیم ها گم است اما تصمیم های کلیدی بلند مدت اثر دارند.

**چند تا تصمیم کلیدی در زندگی افراد هست؟**

**(تعبیر فتح الفتوح میشود.) این تصمیم ها زیاد نیستند…**

البته بعضی ها اثر گذار بر جامعه هستند و ازین تصمیمات زیاد دارند.

**بعضی کتاب ها موثر هستند… و تصمیم های اصلی را تغییر میدهند.**

**شما باید تمرکز خودتان را روی تصمیمات اساسی قرار دهید…**

شام یک شب انقدر مهم نیست… اما تشکل اجتماعی مهم اند…

در مسیر انقلابی بودن انتخاب استاد و کتاب خیلی اهمیت دارد…

ما وقت نداریم همه تشکل ها یا اساتید را تجربه کنیم…

لذا انتخاب خیلی مهم است.

(البته مومن پشت همه مسایل دست خدا را میبیند و این حرف همیشه درست است نه فقط در هیات!)

**تقسیم بندی انتخاب ها:**

**بین بد و بدتر - خوب و خوبتر - بد و خوب**

حکم عقلانی معلوم است بین خوب و بد خوب را انتخاب مکنیم و حتی بعضی اوقات بین بد و بدتر… بد را انتخاب میکنیم یعنی میدانیم که تصمیم بد میگیریم اما عقلانیست… مثل انتخاب ها….

**تاخیر در تصمیم گیری خودش گاهی ضرر زاست…** و آفاتی مثل اینکه دچار امر بدتری شویم دارد…

**تعیین مصداق کردن همیشه کار آسونی هم نیست که بد و خوب چیست…**

**گاهی بین دو کار خوب گیر میکنیم!**

بین وفای به عهد و راستگویی

بین نایب امام و فرزند

بین همسر و وظیفه

**یه موقعی آدم تو تصمیم گیری دو دل میشود مشکل اعتقادیش بیرون میزند! کی گفته آقای خامنه ای نایب امام است؟ تا قبل نمیگفت ازین حرفا….**

**مراجع تشخیص را گفتیم:**

**دین - عقل - اثر اجتماع - امیال شخصی**

اما یک عامل دیگر مطرح است که اون مهم است:

**خدا…**

به این معنای ساده که : **ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا….**

مشکل ما هم تشخیص بود دیگه!

خب اگه تقوا داشته باشیم خدا ملاک تشخیص میده…

ازین راحت تر؟

**اگه تقوا داشته باشیم خدا بجای ما تمیز و تشخیص میده…**

یا هر کسی بین خودش و خدا رو اصلاح کنه خدا بین اون و مردم رو اصلاح میکنه…

لذا وقتی میگیم امیرالمومنین اتقی و متقی کردن یاران رسول خداست یعنی لیاقت جانشینی اش از بقیه بیشتر است…

**۱- بعضی فکر میکنن داشتن خبر و اطلاعات تصمیم گیری میکند!**

حال آنکه خیلی از افرادی که مثلا در ازدواج خیلی برای شناخت وقت میگذارند جواب نمیگیرن یا در عالم سیاست…

خیلی اوقات خبر زیاد اصلا خوب نیست!

تقوی نباشد مشکل میخوریم….

**۲- خیلی ها فکر میکنن عقل ملاک کافیه… اما نه**

بعضیا اومدن به امام حسین گفتن این راه تو به کشته شدن میرسه….

راه فقط همون تقواس که درست و غلط رو از درون بهتون نشون میده…

**حالا تقوا یعنی چی؟**

تقوا در منابع دینی خوب آمده…(صفات متقین…)

لغوی: یعنی ترمز… خویشتن داری

محتوایی: صاحب تقوی دو ویژگی مهم داره…

**در زندگی ملاک و میزان دارد** و **نسبت به موازین خودش پایبند است…**

یه مرامی داره و هیچوقت کوتاهم نمیاد…

البته تقوی الله مهم است … ممکن است طرف تقوی داشته باشد ولی تقوای الهی نباشد یعنی ملاک ها و معیارها الهی نباشد…

حالا این معیارها چیه؟

مثلا الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا….

اگر ملاک های الهی را رعایت نکنیم جواب کامل نمیگیریم…

امام هم در علم و هم در عمل (همه معیارها الهی است و عمل هم میکند.) باید کامل باشد…

یعنی فرد ممکن است تقوایش کامل نباشد و لذا عملش کامل نخواهد بود ….

خود معصوم سوال کردن که ما دسترسی به شما نداریم چه کنیم؟

خود حضرت فرمود برید سوال روات احادیث ما و با این شرایط ازش تبعیت کنین….

حالا ما باید بریم به همون سمتی که اهل بینت هدایتمون کردن…

ولی امر فعلی که نایب امام هستن…

حالا من میخوام به عنوان یه دانشجو با مشخصات مختلف از بیانات ایشان مصداق یابی کنم…

این کار خود شماست…

(معنی این حرفا این نیست که از ۴ معیار دیگر صرف نظر کنید معنی اینست که این ها باید باشد تقوا هم داشته باشیم و رجوع به نایب امام هم داشته باشیم…)

**ما از همه مکانیزم دین باید بهره ببریم…**

**معیارها درست بدست بیاید و بعد عمل بشود (تقوای الهی ) که عمل درست و با ملاک را تضمین میکند…**

ما قرآن رو آوردیم پایین تا شما بفهمید بعد شما باید بیاید بالا دوباره !

حد به سمت خدا میرود…. پیامبر تا آخر زمان هم برود باز به خدا نمیرسد اما حدش به خدا میرسد!

ما هم باید بریم به سمت تقوای الهی… ما هم باید بالا بیاییم…

چطور بالا برویم:

1. **جهاد فی سبیل الله… لنهدینهم سبلنا** ( تو بیا ما راه رو نشون میدیم…)(**فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما…**)(**ید الله مع الجماعه …** ) متوجه میشوید جهاد فردی اصلا فایده ندارد…

 ما مجبوریم برای رسیدن **به بعضی جاها حکومت اسلامی تشکیل بدیم…**

مثال

 فرض کنید میخوایم یه کاپیتان تربیت کنیم…. اگه این کاپیتان را جدا آموزش بدم و سی دی آموزشی بهش بدم باهاش حرف میزنم این برای تربیت کاپیتان کفایت میکنه؟ (تازه فوتبال پیچیده ترینه ۱۱ نفره!) باید کاپیتان را در فضا تربیت کرد! … تازه تیم کافی نیست… باید رقیب داشته باشد…. لذا مجبورم چند تا باشگاه و ورزشگاه داشته باشم… مثلا میخوایم یه رییس جمهور تربیت کنیم … باید هزار تا پارامتر داشته باشیم تا اون یه نفر در بیاد…. باید تشکل دانشجویی هم داشته باشیم… حالا یه جمله که بسوزید: **لولاک ما خلقت الافلاک….** **یعنی همه این عوالم برای تربیت انسان کامل بود و شخص رسول و امیرالمومنین و حضرت زهرا…**

لذا برای رشد چاره ای جز شرکت در جماعت نداریم…

داستان ضمانت رسول بر ازدواج جوان و عدم ایمان به ضمانت خدا…!

اون جوون با سکه و امید به اون ضمانت پیامبر رفت و کار کرد…

ما گاهی میگیم اگه خدا کمک کنه ما هم راه میوفتیم…

خب : **ان تنصرالله ینصرکم… یدالله مع الجماعه…** (میخوای کمک کنم برو تو جمعیت…برای فتح قله و کارهای بزرگ تنها وارد نشوید… پیامبرا میرن با خدا راه رو میگیرن بعد میان برای عمل جماعت جمع میکنن تو جماعت خوف و شک و دو دلیشون … در مقابل تقوا و ایمانشون میره تو یه کاسه…بعد همه این آدما و ویژگی هاشون جمع جبری میشوند…. کم کم آدم ها در جمع بزرگ میشن… هرچی افراد قدیمی تر در جمع باشن … آرامش به بقیه میدهد… خاطر افراد و بقیه را جمع میکند… بزرگتر ها دچار اضطراب نمیشوند…) (ابتدای جنگ مردم رفته بودن پیش امام و خوف کرده بودن … هی جلوی امام حرف میزدن… امام سریع گفتن آنچنان سیلی به صدام میزنیم که بلند نشود…!!! ( اصلا ملت موندن این آرامش امام چیست؟ اصلا شما تانک دیدی؟ اما این سیلی هشت سال طول کشید و ۳۰۰ هزار تا هم شهید دادیم…) (همه جوانهای ما در حال کارورزی برای حضور حضرت حجت در جامعه است… ما در زمان خمینی و خامنه ای این کارها رو کردیم… الان آماده کاریم….)

۲- **علم** ( تعبیر قرآن درجات است….مثل دامنه های پشت در پشت کوه**… هرچه جلو تر میرین میبینیم فضای بالاتری هم هست….** هیچ حد آخری ندارد بقیه اش را در برزخ میبرنتون کم بیاد تو بهشت و جهنم میبرنتون…)

۳- **ایمان و تقوی** (خودش مراتب دارد و …) ( وقتی ما به وظیفه تقوایمان درست عمل کنیم خدا برایمان انتخاب هارا معلوم میکند. … ممکن است شما همه کارهاتون رو انجام بدین اما خدا چیز دیگه بخواد! … تست رو جابجا بزنید که فلان دانشگاه بروید… تن بدین به کار خدا … شاخ نشین…! ملایکه دست روی قلب میذارن و آرامش میدن اگه با تقوی باشین… کمکتون میکنن… دست خدا بازه… ما یهود نیستیم که بگیم ید الله مغلوله! …

ما انتظار داریم محصول کار و تلاش و مجاهدتمون چیز خاصی بشه اما اراده خدا آخرین حلقه وقایع بیرونی است… مثل همون حدیث که خدا خواب به چشم مومن میزنه که نماز شب نخونه… تا عجب نگیردش…. اصلا شاید معصیت برامون قرار بده تا عجب نشود… ته ماجرا خود خداس… و ما حکمت و هدایت هایش را خیلی اوقات نمیفهمیم چراس؟ اما هیچی در عالم تصادفی نیست… اما این نافی وظیف ما نیست … **ما همه تلاشمون رو میکنیم و تلاشمون رو بخدا تحویل میدیم حالا اینکه خدا با این موجودی چه میکنه دست خداست…**

۴ - **عمل صالح هم میاورد بالا…** (صبر- یقین - شکر …)

(نظام اندیشیدن باید اصلاح شود و زیرساخت های دستیابی به هدف برنامه ریزی را بسازیم …بعد به تصمیم ادامه تحصیل و ازدواج و کار و میرسیم…

مثل تصمیم حضرت آقا در مورد تحصیل در قم و عنایت مادرم به حضورم در مشهد و نگهداری ایشان …

 **اگر در مشهد میماندم مادرم را راضی کرده بودم اما مجتهد نمیشدم…** هیچکس جواب مرا نداد… جز کسی که فرمود دنیای تو قم است آخرتت مشهد…. !!! **شما برو دنبال آخرتت مشهد و از خدا بخواه دنیاتم به مشهد منتقل کنه! …یکی از اسامی خدا جابر است یعنی جبران کننده…. خدا تفاوت قم و مشهد رو جبران میکنه….!**

اگر هر دو به یه میزان آخرت بود میشه احدالحسنیین…. (ترجیح بلا مرجح محال است! اگه میخوای تصمیم نگیری این یه چیز دیگس و تاخیر و دست دست میکنی…)هر کدوم رو عمل کنیم مانعی ندارد….مثل زمان جنگ ما…. هدف جلسه اول)